

مطالعه تطبیقی مضامین مشترک رمان مزرعه حیوانات اثر جورج اورول و

زینی برکات از جمال غیطانی

زهرا راشدی^۱ نعمت عزیزی^{۲*} محمدرضا شیرخانی^۳

۱- دانشجوی زبان و ادبیات عربی، دانشگاه ایلام

۲- استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه ایلام..

۳- دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه ایلام

چکیده

ادبیات تطبیقی، شاخه‌ای از نقد ادبی به شمار می‌رود که تعاریف و قلمرو آن از همان زمان پیدایش در فرانسه تا به امروز، در حال تغییر بوده و موضوع آن پژوهش‌هایی است که به مطالعه رابطه ادبیات ملت‌های مختلف با هم و بررسی رابطه ادبیات با هنرها و علوم انسانی می‌پردازد. این روابط، گاهی خود را میان شاهکارهای داستانی جهان، نشان می‌دهد. یکی از این شاهکارها، رمان مزرعه حیوانات اثر جورج اورول، نویسنده انگلیسی است که توانسته با زبانی تمثیلی، اوضاع سیاسی و مضامین اجتماعی مورد نظر خود را به خوبی، بیان نماید و به اشکال مختلفی بر ادبیات کشورهای دیگر تأثیرگذار باشد. از دیگر رمان‌هایی که به زبان‌های مختلف، ترجمه شده و شهرت جهانی دارد، رمان زینی برکات نوشته جمال غیطانی، نویسنده مصری است که چند دهه پس از انتشار رمان مزرعه حیوانات، به چاپ رسیده است. موضوع اصلی دو رمان، وقوع انقلاب، انحراف در آن و تزویر حاکمان است اما پرسش اصلی این است که چه شباهت‌های مضمونی میان این دو رمان، وجود دارد؟ نتایج پژوهش حاکی از آن است که در هشت مورد، میان مضامین دو رمان شباهت وجود دارد؛ تحقق انقلاب، تبیین قوانین، خودکامگی رهبران، تأسیس نیروهای سرکوبگر، پوپولیسم، سرکوب مخالفان، استفاده ابزاری از دین و در نهایت، استحاله انقلاب‌ها، از مضامین مشترک دو رمان، به شمار می‌روند و این شباهت‌ها به همراه تسلسل روایی که در وقوع حوادث دو رمان



مطالعه تطبیقی مضامین مشترک رمان مزرعه حیوانات

دیده می شود به اندازه ای ملموس است که می توان ادعا نمود جمال غیطانی در رمان خود، از مزرعه حیوانات جورج اورول، تأثیر پذیرفته است. این پژوهش می کوشد تا با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد ادبیات تطبیقی، به مطالعه تطبیقی دو رمان مذکور بپردازد.

کلیدواژگان: ادبیات تطبیقی، جورج اورول، مزرعه حیوانات، جمال غیطانی، زینی برکات.

۱- مقدمه

فرانسه، مهد ادبیات تطبیقی در معنای علمی آن است که نخستین بار ویلمن^۱، در سال ۱۸۲۸م این اصطلاح را در سخنرانی های خود به کار برده است. (نظری منظم، ۱۳۸۹: ۲۲۱) نظریه پردازان فرانسوی، ادبیات تطبیقی را شاخه ای از تاریخ ادبیات می دانند که بررسی روابط ادبی بین فرهنگ های مختلف می پردازد. از میان این نظریه پردازان می توان به ماریوس فرانسوا گی یار^۲، ژان ماری کاره^۳، رنه اتیامبل^۴، و پل ون تیگم^۵ اشاره نمود. (انوشیروانی، ۱۳۸۹: ۱۳)

بعد از مکتب تطبیقی فرانسوی، مکتب دیگری نیز پا به عرصه ظهور گذاشت؛ مکتب ادبیات تطبیقی آمریکایی که در نیمه دوم قرن بیستم و بعد از جنگ جهانی دوم خود را نشان داد، ادبیات را یک کلیت می دانست که اجزای آن را ادبیات های ملی تشکیل می دهند. این مکتب، ادبیات را پدیده ای جهانی و در ارتباط با سایر شاخه های دانش انسانی و هنرهای زیبا می داند. (نظری منظم، ۱۳۸۹: ۲۲۱)

هر چند که دو مکتب فرانسوی و آمریکایی، حوزه های گسترده ای از پژوهش های ادبی را فرا روی پژوهشگران گشودند اما امروزه، ادبیات تطبیقی حوزه های بسیار گسترده تری را شامل می شود که می توان به برخی از آنان اشاره نمود: مطالعه شباهت ها و تفاوت های ادبی و

^۱ A.Villemain

^۲ Marius François Guyard

^۳ Jean-Marie Carré

^۴ René Etiemble

^۵ Paul van Tieghem

فرهنگی، مقایسه ادبیات با هنرهای مختلف و علوم انسانی، ترجمه پژوهی، بینامتنیت، مطالعات پسااستعماری، مقایسه بین ادبیات زن و مرد و ... (همان: ۲۳۴)

در کشورهای عربی در دوره معاصر، داستان نویسانی پا به عرصه ظهور گذاشته اند که آثار آنان، شهرت جهانی یافته و به زبان های مختلفی ترجمه شده اند. یکی از این داستان نویسان، جمال غیطانی است که رمان زینی برکات، مشهورترین اثر این نویسنده مصری است که در سال ۱۹۷۴ به چاپ رسید. این رمان، داستان ظهور محتسبی جدید در قاهره است که در لباس تزویر، به حکومت می رسد و اندک اندک، حکومتش، رنگ استبداد به خود می گیرد.

مزرعه حیوانات نیز، یکی دیگر از شاهکارهای ادبی جهانی است که در ایران به نام قلعه حیوانات نیز شناخته می شود، این رمان به زبان انگلیسی و نوشته جورج اورول، داستانی انتقادی با محتوای سیاسی - اجتماعی است که با زبانی تمثیلی، مسائل مربوط به نظام حکومتی وقت در روسیه را تبیین می کند. (کوشا، ۱۳۷۹: ۲) این رمان در طول جنگ جهانی دوم، به نگارش در آمده و در سال ۱۹۴۵م. در انگلستان به چاپ رسیده است. مزرعه حیوانات درباره گروهی از حیوانات اهلی است که در اقدامی آرمان گرایانه و انقلابی، صاحب مزرعه (آقای جونز) را از مزرعه اش فراری می دهند تا خود، اداره مزرعه را به دست گرفته و برابری و رفاه را در جامعه، به ارمغان آورند.

از آنجا که دو رمان زینی برکات و مزرعه حیوانات، دو اثر مهم با موضوع ادبیات انتقادی و سیاسی در دوره معاصر به شمار می روند، لذا این سوال مطرح است که مضامین این دو رمان، از چه جهاتی با هم شباهت دارند؟ و با توجه به تأثیر فراوان رمان مزرعه حیوانات بر ادبیات جهان سؤال اصلی این است که آیا جمال غیطانی از این رمان سمبولیک تأثیر گرفته است؟ شایان ذکر است که روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی بوده و با رویکرد ادبیات تطبیقی، به مطالعه این دو رمان، خواهیم پرداخت.

۲- پیشینه تحقیق



درباره دو رمان مذکور، تحقیقاتی به شکل جداگانه، انجام شده است که به چند نمونه از آن ها اشاره خواهیم کرد:

- مقاله «بررسی تطبیقی شازده کوچولو و قلعه حیوانات بر اساس الگوی جامعه شناختی کلود دوشه» (۱۴۰۰ش) از نصرت حجازی و مرضیه مشگینی که نویسندگان در آن به بررسی تطبیقی این دو رمان پرداخته و وجوه تناظر آن ها را بیان کرده اند.

- مقاله ای با عنوان «بررسی و تحلیل مشخصه های پوپولیسم در داستان قلعه حیوانات اثر جورج اورول» (۱۴۰۰ش) از وحید سجادی فر. در این مقاله کوشش شده است تا ضمن بررسی وجود مشخصه های پوپولیسم در متن داستان قلعه حیوانات، روند تغییر کارکرد مشخصه های آن و الگو گرفتن این داستان از یک انقلاب پوپولیستی تبیین گردد.

- مقاله «از اتوپیا تا دیساتوپیا: نقدی بر درام سیاسی-اجتماعی نظامات توتالیتری (نمونه موردی قلعه حیوانات)» (۱۳۹۶ش) از شهرام اسدی که با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی شخصیت های داستان و نموده های سمبولیک آن ها پرداخته و سپس داستان را از ابعاد اتوپیای و دیس اتوپیای مورد نقد قرار داده است.

در مورد رمان زینی برکات نیز پژوهش هایی انجام شده است:

- مقاله «تطبیقات نظریه خطاب السلطه لفوکو فی روایه الزینی برکات» (۱۳۹۸) از فاطمه اکبری سلطان باجی، کنایون فلاحی و طاهره چالدره که نویسندگان در آن، نظریه قدرت و سلطه فوکو را بر رمان زینی برکات تطبیق داده اند.

- مقاله ای با عنوان «بنیه الشخصیه فی روایه الزینی برکات» (۱۴۳۹هـ) از علیرضا کاهه که در آن به بررسی عناصر داستانی رمان مذکور پرداخته و شخصیت های اصلی و فرعی رمان را بررسی کرده است.

با استناد بر پیشینه مذکور، می‌توان گفت که علیرغم پژوهش‌های متعددی پیرامون دو رمان زینی برکات و مزرعه حیوانات، تاکنون هیچ پژوهشی به مطالعه تطبیقی این دو رمان نپرداخته و این موضوع در نوع خود، جدید خواهد بود.

۳- جورج اورول و مزرعه حیوانات

جورج اورول، نویسنده انگلیسی با نام اصلی اریک آرتور بلر^۱، در ۲۵ ژوئن ۱۹۰۳ در موتیهای هند متولد شد. پدر وی، کارمند دولت انگلیس در هند بود. خانواده اریک در سال ۱۹۰۷ به انگلستان بازگشتند. وی بعداً در پلیس امپراطوری بریتانیا در هند و مناطق برمه به خدمت پرداخت. رمان «روزهای برمه» در سال ۱۹۳۴ محصول همین دوران است. (اورول، ۱۹۳۹: ۵) در سال ۱۹۲۷ استعفا داد و به اروپا بازگشت. در اواخر سال ۱۹۳۶ به اسپانیا رفت تا در صف جمهوری خواهان بجنگد و در همان محل زخمی شد. اورول کتاب «درود بر کاتالونیا» را بر اساس مشاهدات خود در اسپانیا نوشت. در سال ۱۹۴۳ کار بر روی رمانی که تا امروز به آن مشهور است، یعنی مزرعه حیوانات را آغاز کرد. سپس به جزیره جورا در شمال اسکاتلند رفت و کار بر روی واپسین اثر خود با عنوان ۱۹۸۴ را آغاز کرد. اورول در بیستم ژانویه ۱۹۵۰ به دلیل بیماری مزمن ریوی اش درگذشت. (همان)

آس و پاس‌ها (۱۹۳۳)، روزهای برمه (۱۹۳۴)، دختر کشیش (۱۹۳۵)، پول و دیگر هیچ (۱۹۳۶)، راهی به اعماق (۱۹۳۷)، درود بر کاتالونیا (۱۹۳۸)، هوای تازه (۱۹۳۹)، قلعه حیوانات (۱۹۴۵)، دیگنز، دالی و دیگران (۱۹۴۶)، چرا می‌نویسم؟ (۱۹۴۶)، یک فنجان چای دیش (۱۹۴۶) و ۱۹۸۴ (۱۹۴۹) مهمترین آثار اورول به شمار می‌روند.

فابل یا آنچه در زبان فارسی، حکایت حیوانات نامیده می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۶، ۱۳۳)، نمونه‌ای از انواع آثار ادبی است که مزرعه حیوانات در زمره آن‌ها قرار می‌گیرد؛ «اورول با الهام از انقلاب

^۱.Eric Arthur Blair



مطالعه تطبیقی مضامین مشترک رمان مزرعه حیوانات

شوروی و شخصیت ها و اتفاقات آن، در قالبی تمثیلی مزرعه ای را به تصویر می کشد که حیواناتی متعدد، تحت مالکیت مزرعه داری بی کفایت و ظالم اند. این حیوانات تحت تأثیر سخنان الهام بخش خوکی پیر، دست به انقلاب علیه مالکشان زده و بر انسان ها پیروز می شوند. داستان این کتاب، شرح انقلاب حیوانات و سپس تحریف و فراموشی شعارهای انقلابی به واسطه تسلط حاکمانی سودجو و قدرت طلب از جنس خود حیوانات است. اورول قصد دارد زیرکانه و با هنرمندی، پیچیدگی این دگردیسی و مدیریت افکار عمومی توسط سیاستمداران را نشان دهد.» (حجازی و مشکینی، ۱۴۰۰: ۱۲۳)

شایان ذکر است که ترجمه های متعددی از این رمان با دو عنوان قلعه حیوانات و مزرعه حیوانات، به زبان فارسی صورت گرفته که در این پژوهش، از ترجمه امیر امیرشاهی استفاده شده است.

۴- جمال غیطانی و زینی برکات

جمال احمد غیطانی، رمان نویس مصری، در شهر جهنیه در سال ۱۹۴۵ به دنیا آمد. (بن موسی، ۲۰۲۰: ۱۰۵) در جوانی به عنوان طراح فرش ایرانی مشغول به کار شد. (محرز، ۱۹۹۴: ۹۷) در اکتبر ۱۹۶۶ برای شش ماه به دلیل انتقاد از رژیم عبدالناصر به زندان افتاد. در جنگ ۱۹۶۷ به عنوان خبرنگار جنگی حاضر شد. در سال ۱۹۸۰ جایزه ملی مصر برای ادبیات را از آن خود کرد. سال ۱۹۸۷ نشان شوالیه هنر و ادبیات را دریافت نمود. همچنین جایزه های شیخ زاید و نیل را دریافت کرد. جمال غیطانی در سن ۷۰ سالگی به دلیل مشکلات تنفسی در بیمارستان ارتش قاهره، در گذشت. (بارات، ۲۰۱۸: ۲۸)

أوراق شاب عاش منذ الف عام ۱۹۶۹، الزینی برکات ۱۹۷۴، الزویل ۱۹۷۴، حراس البوابة الشرقيه ۱۹۷۵، الحصار من ثلاث جهات ۱۹۷۵، وقائع حارة الزعفرانی ۱۹۷۶،

الرفاعی ۱۹۷۸، ذکر ما جرى ۱۹۷۸ و شطح المدینه ۱۹۹۰ از مهمترین آثار داستانی جمال غیطانی به شمار می‌روند.

رمان زینی برکات که در سال ۱۹۷۴م به چاپ رسیده، درباره شکست ممالیک در مقابل سپاه عثمانی است که تاریخ مصر را در سال‌های ۱۴۶۸ تا ۱۵۲۲ ثبت کرده است. (حسینی، ۱۳۹۴: ۵) در این رمان، نوعی از بی‌ثباتی سیاسی به تصویر کشیده می‌شود که به همراه آن، سیستم پلیسی جدیدی ظهور می‌کند؛ موضوع این داستان ظهور محتسبی به نام زینی‌برکات است؛ محتسبی که با وارد شدن به عرصه سیاست، امید اصلاحات سیاسی و اقتصادی را در دل مردم، زنده می‌کند اما کم‌کم به یک نظام استبدادی مبدل می‌گردد.

زینی برکات، در سال ۱۳۹۴ش توسط رضا عامری به زبان فارسی ترجمه شد که ترجمه نمونه‌های موجود در این مقاله، از این ترجمه، اقتباس شده است.

۵- مضامین مشترک دو رمان

با مطالعه دو رمان، شباهت‌هایی میان آن‌ها، دیده می‌شود که در ادامه، به بحث و بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱-۵ تحقق انقلاب

دو رمان مزرعه حیوانات و زینی برکات، با وقوع انقلاب آغاز می‌شوند. این دو رمان، یک حرکت انقلابی بر ضد رهبران حکومت سابق را روایت می‌کنند که نارضایتی، عنصر به وجود آورنده آن‌هاست.

مزرعه حیوانات با رؤیای عدالت و نوید آن شروع می‌شود، بیننده‌ی رؤیا، خوکی سالخورده به نام میجر است که در یک سخنرانی، خبر قریب الوقوع بودن انقلاب را اینگونه بیان می‌کند: «این ماییم که با خون دل، زمین را کشت می‌کنیم و کارهای مزرعه را می‌کنیم اما هیچ کدام از ما حیوانات، مالک چیزی جز پوست خود نیستیم و در انتها ما را می‌کشند. همیشه گرسنه و



آسیب دیده بوده ایم و عامل آن، ظلم انسان است. پیام من برای شما انقلاب است و یقین دارم که دیر یا زود، عدالت اجرا خواهد شد.» (اورول، ۱۳۷۷: ۹)

در این رمان، انقلاب هنگامی رخ می دهد که گرسنگی حیوانات در نتیجه غفلت صاحب مزرعه (آقای جونز)، غیر قابل تحمل می شود: «گرسنگی حیوانات به بالاترین حد خود رسیده بود. آن ها دیگر تاب ظلم و گرسنگی را نداشتند و به انبار آذوقه هجوم بردند.» (همان: ۱۵) و اینگونه با هجوم حیوانات، صاحب مزرعه فرار می کند و انقلاب، محقق می شود.

در رمان زینی برکات نیز، تحقق انقلاب، مضمونی است که در ابتدای رمان می بینیم. مردم قاهره از ستم علی بن ابی جود به تنگ آمده بودند. مایحتاج مردم باگران ترین قیمت ها در بازار عرضه می شد و مالیات های سنگینی از کشاورزان و مردم گرفته می شد، این حاکم، به طور ناگهانی دستگیر و عزل می شود: «عزل علی بن ابی جود از منصبش، رحمتی بر جان مردم است آن ها را به ستوه آورده بود و آن ها عصیان کردند»^۱

با نگاه به نمونه های ذکر شده از دو رمان، می بینیم که تحقق انقلاب در هر دو رمان، در صفحات اولیه داستان، روایت می شود و وضعیت نامطلوب اقتصادی و گرسنگی، به همراه ستم حاکمان، زمینه ساز این انقلاب هاست.

۲-۵. وضع قوانین جدید

با آغاز انقلاب مزرعه حیوانات، تمامی ابزارهایی که مربوط به انسان ها بود را از خود جدا کرده و منهدم می سازند و خوک ها، رهبری مزرعه را به عهده می گیرند. هفت فرمان که اصول حیوانی بودند، وضع شده و توسط خوک ها بر روی دیوار نوشته می شوند: «۱- هر چیزی که روی دو پا راه می رود، دشمن است. ۲- هر چیزی که چهارپا است یا بال دارد، دوست است. ۳- هیچ حیوانی لباس نمی پوشد. ۴- هیچ حیوانی در تختخواب نمی خوابد. ۵- هیچ حیوانی الکل نمی نوشد. ۶- هیچ حیوانی، حیوان دیگری را نمی کشد. ۷- همه حیوانات با هم برابرند.»

(اورول، ۱۳۷۷: ۳۱)

همانگونه که در رمان مزرعه حیوانات، اصولی وضع شد که همه را ملزم به رعایت از آن می کرد، در رمان زینی برکات نیز، با روی کار آمدن برکات، شاهد وضع قوانینی جدید توسط وی هستیم و بیان می کند که قصد دارد تمام خرید و فروش اجناس و مواد غذایی را کنترل کند و مانع احتکار و گران فروشی شود. او خود را حامی فقرا و مظلومان معرفی می کند: «زینی گفت: اگر ظلمی به انسانی روا داشته شود، چه فقیر چه غنی، چه دون چه والا مرتبه، بعد از شرح مظلمت و ثابت شدن حق و حقوقش، عدل اجرا خواهد شد. همچنین گفت خانه اش در قاهره است و شبانه روز بر همه خلائق و نیازمندان گشوده است»^۲.

در هر دو رمان، قوانینی با هدف نیل به رفاه اقتصادی و عدالت اجتماعی وضع می شوند و با ارائه آرمان هائی، شروع به فعالیت می کنند که غایت آن ها، ایجاد جامعه ای به دور از تبعیض طبقاتی است.

۳-۵. استبداد

با شروع انقلاب در مزرعه حیوانات، حیوانات مجبور بودند برای جمع آوری محصولات، ابزارهای بردگی مانند چمن زن و شن کش را بر خود ببندند و خوک ها بخاطر برتری علمی و پیشوا بودن، کار نمی کردند و نظارت می نمودند. (اورول، ۱۳۷۷: ۳۶) حیوانات مزرعه در زمان حاکمیت گذشته، زیاد کار می کردند و در حکومت جدید نیز به نظر می رسید که بیشتر کار می کنند و بیشتر از زمان صاحب مزرعه، گرسنه هستند. (همان: ۳۷) تمام بهار و تابستان، هفته ای شصت ساعت کار میکردند. علاوه بر آن، ناپلئون (رهبر مزرعه حیوانات) اعلام می کند که یکشنبه ها عصر هم باید کار کنند البته این کار، داوطلبانه بود ولی اگر حیوانی غیبت کند، جیره غذایی نصف می شود. (همان: ۱۷۹)

در طول روایت داستان، شاهد شکل گیری استبداد روز افزون خوک ها هستیم؛ خوک ها محصولاتمانند سیب و شیر را برای خود می دانستند، آن ها می گفتند: کار ما فکری است و اگر خوب تغذیه نکنیم قادر به برنامه ریزی نیستیم و امور مختل می شود، دیگر نمی توانیم از



مزرعه دفاع کنیم و سرانجام آقای جونز (صاحب پیشین مزرعه) باز می گردد. (همان: ۴۶) این امر خود نقض قانون برابری و برادری بود که در فرمان هفتم قانون آنان آمده بود. حیوانات هیچ اعتراضی در این باره نکردند، و به نوعی مقهور رهبری و قدرت خوک ها شدند، چرا که همیشه از بازگشت انسان ها به عنوان ابزاری برای ترساندن آن ها استفاده می کردند.

در رمان زینی برکات نیز شاهد شکل گیری حکومتی خودکامه هستیم. برکات در قسمتی از نامه خود به زکریا (رئیس جاسوسان قاهره)، خواستار محکومیت سخنانی بود که مردم کوچه و بازار به انتقاد از او می زدند؛ وی از زکریا می خواهد که چنین افرادی را از میان بردارد: «در مدتی که از ولایت محتسبی ام گذشته، گاه و بی گاه ملاحظه نموده ام که حکایاتی میان مردم منتشر می شود که غرضش تخریب یکی از بزرگان به ویژه شخص من است. این امری است که بر ضرورت مقاومت در برابرش و از بین بردن عوامل آن با من هم نظر هستی»^۳.

زینی در نامه اش به زکریا، عامه مردم را فتنه انگیز و برخی دیگر را رمه هایی بی عقل و وحشی عنوان می کند، که باید آن ها را مطیع کرد و گاهی برخی از آن ها را برای سرکوب و یا ایجاد ترس، مخفیانه از میان برد: «عامه مردم: آن ها که همواره فتنه انگیزند، شاید هم برخی از معممین و فقها را در شرایط مختلفی به تحریک وادار سازند. در مورد عوام الناس: آن ها رمه هایی هستند که هر کجا بخواهی می توانی آن ها را به دنبال خود بکشی، وحشیانی بی عقل هستند که اگر وسوسه شان کنی مطیع تو می شوند. و از همین رو اشکالی ندارد که برخی از آن ها را گاه به گاه به طریقی که کسی متوجه نشود، پنهان و محو کنیم. این مسئله باعث وحشت بقیه می شود»^۴.

با توجه به نمونه های مذکور می توان دید که خودکامگی و استبداد، از مضامین مشترک دو رمان است.

۵-۴. پوپولیسیم

ریشه واژه پوپولیسم از واژه لاتین «Popularis» یا «Populus» است. (رحیق اغصان، ۱۳۸۴: ۳۰۵) که به معنای «توده مردم یا عامه» گرفته شده است. (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۷۴: ۲۴۶) جریان پوپولیسم، تلاشی بود که در سال ۱۸۷۴م از سوی مردان و زنان جوان روس، علیه روشنفکران و نظریه پردازان جامعه آن روز روسی، انجام گرفت. (تاگارت، ۱۳۸۱: ۷۳) پوپولیسم که در زبان فارسی، معادل واژه ی عوام گرایی استعمال شده، دارای چند ویژگی کلی است:

۱. جذب پشتیبانی مردم با استفاده از وعده های کلی و مبهم و معمولاً تحت کنترل رهبر فرهمند و شعارهای ضد امپریالیستی بر حکومت. ۲. پیشبرد اهداف سیاسی غیر وابسته از نهادها و احزاب موجود با فراوانی توده مردم به اعمال فشار مستقیم. ۳. بزرگداشت مردم با اعتقاد به اینکه هدف های سیاسی باید به اراده و نیروی مردم و جدا از احزاب یا سازمان های سیاسی، پیش برود. (سجادی فر، ۱۴۰۰: ۱۶۸-۱۶۹) بنابراین پوپولیسم در نگاه اول، نابترین شکل یک امر سیاسی است. (لاکلانو، ۱۳۸۱: ۶۴) اما در حقیقت بر این پایه شکل گرفته است که عامه مردم، افرادی ناآگاه، منفعل و فاقد قدرت تشخیص اند. (تاگارت، ۱۳۸۱: ۱۷)

در دو رمان زینی برکات و مزرعه حیوانات، شاهد شکل گیری نوعی حکومت پوپولیستی هستیم؛ خوک ها در ظاهر رهبرانی هستند که برای رفاه سایر حیوانات تلاش می کنند، ولی در واقع، به فکر تثبیت قدرت خود از طریق فریب افکار عمومی بودند. آن ها با سخنرانی های شیوا، سعی بر گبیج کردن حیوانات برای فهم مسائل داشتند تا اینگونه مانع اعتراض آن ها شوند. (اورول، ۱۳۷۷: ۴۹) سخنران خوک ها، اسکوئیلر هر گونه عمل مغایر قانون خوک ها را، اعم از نقل مکان به خانه جونز، روی تخت خوابیدن، دیرتر بیدار شدن خوک ها و گرسنگی حیوانات و جیره بندی آذوقه را با سخنانی پیچیده و فریبنده و توأم با ستودن فداکاری های ناپلئون توجیه می کرد: «رفقا شما به طور حتم در مقام سلب راحتی از ما نیستید؟ و قطعاً نمی خواهید که ما چنان خسته شویم که از وظایفمان باز بمانیم؟ و به طور یقین هیچ یک از شما طالب بازگشت جونز نیست؟» (همان، ۵۶) عوام فریبی ناپلئون، به گونه ای پیش رفته



بود که تمام اتفاقات خوب را به او نسبت می دادند و او را عامل ازدیاد محصولات، تخم گذاری مرغ ها و گوارا بودن آب می دانستند.

در رمان زینی برکات، نمایش های عوام فریبانه همچون رمان مزرعه حیوانات قابل مشاهده است؛ آنجا که زکریا بر اساس خواسته زینی در اجتماعات حضور مستمر دارد، تا از طریق برپایی نماز های جماعت و ادعای دادرسی از رعیت، خود را در دل مردم جای دهد. برکات متوجه کراهت منصب زکریا (رئیس جاسوسان قاهره) نزد مردم بود از این رو سعی در رفع این کدورت داشت از جمله اینکه از او می خواهد برای فریب مردم، نزاعی دروغین بین رعیت و ارباب ترتیب دهد و او به طرفداری از رعیت برخیزد و توجه مردم را به خود جلب کند: «زینی خندید و گفت: اخبار نماز را بگوی؟ زکریا: دستم قبله سعادت مردم است. ای زکریا باید که جایش را بگیری! باید در قلب هایشان جا کنی و بزرگ شوی! فردا اسبت را سوار شو و بگذار یکی از مردانت لباس ساده رعیت به تن کند و دیگری لباس خان ها و مملوک ها را. و صحنه را طوری بچین که مملوک رعیت را کتک بزند و در چنین وضعیتی موکبت هم به طور اتفاقی در حال عبور از آنجا باشد و با دیدن صحنه، پیاده می شوی و رعیت را می نوازی و مملوک را تنبیه می کنی. چیزهایی شبیه این را بیشتر انجام بده، با این کار خداوند تو را به قلوب مردم نزدیکتر می سازد.»^۵

نمونه های مختلفی از عوام فریبی حاکمان و سخنرانان آنان در رمان زینی برکات دیده می شود که از ذکر آن ها صرف نظر می کنیم.

۵-۵. سرکوب مخالفان

حاکم مستبد از هر چیزی می ترسد و هرچه که او را بترساند و حکومتش را نقد کند، باید نابود گردد. (شپریر، ۱۹۳۸: ۵۵) در این نوع حکومت، نخبگان مستحق نابودی هستند نه کجروان و منحرفان. (منتسکیو، ۱۷۴۸: ۱۱۸) مستبد هنگامی که می بیند در میان مردم، گروهی دلاور ظهور

کرده اند که در برابر او، اندیشه خویش را بیان می کنند و از عملکرد حکومتش انتقاد می کنند، کمر به نابودی آن ها می بندد. (افلاطون، ۱۴۰۱: ۴۹۸)

سرکوب مخالفان، مضمونی است مشترک که در دو رمان به وضوح، مشاهده می شود؛ نخستین نمونه سرکوب مخالفان در مزرعه حیوانات، زمانی است که ناپلئون وقتی اسنوبال را مخالف حکومت خود می داند، او را از دایره حکومت حذف می کند. اسنوبال خواستار آبادی مزرعه است؛ اما ناپلئون به هر قیمتی حتی دست کشیدن از عمران و آبادی مزرعه، به فکر تقویت سیستم دفاعی خود و حذف مخالفان است؛ در نتیجه، اسنوبال از دایره حکومت، حذف می شود: «ناپلئون صدای مخصوصی کرد و در اثر این صدا، نه سگ عظیم جست و خیز کنان میان انبار پریدند، مستقیم به اسنوبال حمله بردند و اسنوبال توانست فرار کند.» (اورول، ۱۳۷۷: ۴۵)

در رمان زینی برکات نیز شاهد سرکوب مخالفان هستیم. در مقابل شخصیت اسنوبال در مزرعه حیوانات، شخصیت سعید جهینی را در رمان زینی برکات می بینیم که به خودکامگی حکومت، معترض است. سعید با پی بردن به فساد سیاسی دولت زینی و رفتارهای ریاکارانه او، به مخالفت با وی برمی خیزد، برکات پیش از اعتراض علنی سعید، ابتدا با ترتیب دادن ازدواج دختر مورد علاقه اش سماح با شخص دیگری، سعی در شکست روحی او دارد، و به زکریا که رئیس جاسوسان قاهره بود، دستور می دهد که مدام او را آشکارا تعقیب کنند: «زکریا: ما به او از خودش نزدیک تریم. بعد از ازدواج معشوقه اش واقعاً گرفته و اندوهگین است. گفتیم یا خودش را در نیل غرق می کند، یا سم می خورد. زینی با دست اشاره کرد: باید حواسمان به این پسره سعید باشد. تعداد مردان تعقیب کننده اش را زیاد کن! نه به هدف رصد حرکاتش، بلکه حس کند که عده ای مدام تعقیبش می کنند.»^۶

اما این اقدامات زینی، کارساز نبود و سعید در یکی از خطبه های وی، در اجتماع مردم او را دروغگو خطاب می کند. پس از این، او را به زندان می اندازند. سرانجام براساس فشار شکنجه



های روحی که بر او تحمیل شده بود، یکپارچگی ذهنی خود را از دست می دهد و خود جاسوس زکریا می شود.

با توجه به نمونه های ذکر شده، مشاهده می شود که سرکوب معترضان، از مضامین مشترک دو رمان است و این سرکوب، به شیوه های مختلفی از جمله تشکیل گارد سرکوبگر انجام می گیرد.

۵-۶. تشکیل نیروهای سرکوبگر

حکومت های مستبد در مزرعه حیوانات و زینی برکات، برای اینکه بتوانند بر مردم و معترضان تسلط داشته باشند نیاز به تشکیل نیروهای سرکوبگر داشتند و در این خصوص، روش هایی را در پیش گرفتند. یکی از این روش ها، سرمایه گذاری بر افراد نسل جدید و شستشوی مغزی آن ها و تشکیل نیروهایی از میان آنها بود. رهبران مستبد، این گروه را تحت نظارت خود آموزش می دهند؛ هویت، شخصیت و افکار آن ها را بر اساس خواسته های خود پرورش می دهند.

ناپلئون در رمان مزرعه حیوانات و در آغاز انقلاب، توله سگ های تازه متولد شده را از والدین آن ها گرفت و اقدام به تربیت و پرورش آنها طبق خواسته های خود کرد: «جسی و بلوبل روی هم، نه توله قوی و سالم زاییدند. ناپلئون توله ها را از مادرهایشان گرفت و گفت به شخصه عهده دار تعلیم و تربیتشان می شود. آن ها را به بالاخانه ای که فقط به وسیله نردبان به یراق خانه راه داشت، برد.» (اورول، ۱۳۷۷: ۳۰) در طول داستان، که اوضاع آرام و تحت کنترل است هیچ اثری از توله سگ ها نیست به گونه ای که در روایت داستان، کاملاً به فراموشی سپرده می شوند: «ناپلئون توله ها را در چنان انزوایی نگاه داشت که سایرین بزودی وجودشان را هم فراموش کردند.» (همان: ۳۰) اما ناپلئون که شیفته قدرت بود، از قبل، منش حکومتی خود را چیده بود. توله سگ ها، دیگر تبدیل به سگ هایی درشت و وحشی شده بودند که چلسی و بلوبل (پدر و مادر توله ها) را هم فراموش کرده بودند و تنها فرمانبر ناپلئون بودند. سگ هایی که با یک حرکت ناپلئون، به هرکسی که مدنظر

او بود حمله می کردند و تیکه و پاره می کردند و اینگونه، کشتار بی رحمانه ی حیوانات معترض، توسط سگ ها انجام می شد: «وقتی اعترافات تمام شد، سگ ها بی درنگ، گلوی خوک های معترض را پاره کردند. اعتراف ها و مجازات، آن قدر ادامه یافت تا از کشته ها پشته ای جلوی ناپلئون ساخته شد.» (همان: ۶۹)

در رمان زینی برکات، تشکیل نیروهای سرکوب را در چند نوع شاهد هستیم؛ گروهی به عنوان جاسوس توسط زکریا تربیت می شدند و در تمام بخش های قاهره حضور داشتند که بخشی از آن ها کودک بودند. زکریا، کودکان را از دوران کودکی آموزش داده تا گزارش های دقیق را بازگو کنند؛ گزارش هایی که در بردارنده اعمال پدر و مادر و اعضای خانواده خود و دیگر مردم بود: «قادر شده روح جاسوس را در ذهن کودکان از دوران طفولیتشان بکار؛ یعنی کودکانشان هر کلمه ای را که از پدر و مادر خود بشنوند، آن را به ما منتقل می کنند. از آنجا که راستگوترین اشخاص، کودکان هستند و در شهادتشان هرگز دروغی نهفته نیست. اگر هرکدام از ما بتوانیم در این راه موفق شویم، می توانیم در طول چند سال به جهانی برسیم که همه ابنای بشر در آن به جاسوس تبدیل شده اند.»^۷

برکات هنگامی که امور قاهره را در دست گرفت، مردان ویژه خود را وارد سیستم حکومتی کرد. نیروهایی که تنها تحت مدیریت او بودند و به گفته وی، چشم و گوش هایی وی بودند که در همه جا حضور دارند. (همان: ۶۱) وی در حکومت خود، گروه دیگری را جای داده بود که از آن ها با عنوان لباس آبی ها و یقه زردها نام برده می شد. لباس آبی هایی که همیشه در خطبه ها و محلات، شمشیر در دست، کنار زینی بودند. و اطراف او را احاطه می کردند. (همان: ۱۹۰)

۷-۵. استفاده ابزاری از دین



در حکومت های استبدادی دو رمان مزرعه حیوانات و زینی برکات، همه چیز و همه کس ابزاری برای بقای حکومت هستند. یکی از این ابزارها، دین است، که رهبران از آن برای تثبیت حکومت، توجیه اعمال خویش و آرام کردن مردم استفاده می کنند. کارگزاران دینی هر دو رمان، همچون رهبران در رأس جریانات سیاسی و اجتماعی قرار دارند، همه چیز را می بینند و می شنوند، ولی هیچ کاری برای بهبود اوضاع نابسامان جامعه نمی کنند. هنگامی این بهره دو چندان می شود که رهبران، مورد تأیید کارگزاران دینی قرار می گیرند و مخالفتی با آنها صورت نمی گیرد. از سوی دیگر رهبران نیز مخالفتی با حضور کارگزاران دینی نمی کنند و این امر، خود به توافقی دو جانبه برای بهره وری از دین می انجامد. و اینگونه است که دین در سیر روائی دو رمان، تبدیل به ابزاری برای سوءاستفاده، دعوت به سکوت، تحمل ستم و تأیید خودکامگی و استبداد مطلق می شود.

در مزرعه حیوانات، شاهد حضور کلاغی به نام موزیز^۱ هستیم. موزیز، حیوان اهلی و تربیت شده آقای جونز، صاحب پیشین مزرعه بود که روی باورهای سنتی و زندگی پس از مرگ حیوانات کار می کرد. موزیز همواره وعده سرزمینی را می دهد که حیوانات، پس از مرگ به آن وارد می شوند و زندگی راحتی خواهند داشت: «در آنجا در تمام سال، شبدر موجود است و بر درخت ها نبات می روید. هر هفت روز هفته یکشنبه^۲ است. موزیز سخن چینی می کرد و کار نمی کرد.» (اورول، ۱۳۷۷: ۱۷)

این کلاغ، هرگاه حیوانات از کار و گرسنگی بیش از حد خسته و معترض می شدند، آن ها را به تلاش بیشتر دعوت می کرد و نوید سرزمینی مملو از شیر و عسل را می داد، که پس از مرگ به آن دست می یابند:

^۱ Moses

^۲ یکشنبه، روز دینی مسیحیان محسوب می شود.

«رفقا آن بالا، درست پشت آن ابر سیاه، سرزمین شیر و عسل است، همان سرزمینی که ما حیوانات بدبخت در آن برای همیشه از رنج کار، آسوده می شویم. در آنجا تمام سال شبدر موجود است و بر درخت‌ها نبات می روید. خوک‌ها به او اجازه داده بودند بی آنکه کاری انجام دهد در مزرعه بماند و حتی روزانه یک ته استکان آبجو هم برایش منظور کرده بودند.» (همان: ۹)

در رمان زینی برکات نیز شاهد وضعیتی مشابه هستیم. زینی، بارها در خطبه‌هایش بیان می‌کند که هرگز نمی‌گذارد حقی پامال شود چرا که از مجازات خداوند بیم دارد. او از علاقه قلبی مردم نسبت به شیخ ابو سعود، استاد دانشگاه الأزهر، آگاه بود و از همان ابتدا به شکلی ریاکارانه، در خطبه‌هایش چنین سخن گفته بود که وظیفه محتسبی را در ابتدا نپذیرفته، چرا که طاقت تنبیه مظلوم را از روی غفلت ندارد، اما شیخ ابو سعود او را مجاب به پذیرفتن محتسبی کرده و انتصاب او را به عنوان محتسب، تبریک گفته است.

بخش اساسی استفاده ابزاری زینی از دین، در جمع‌آوری مالیات از مردم و کشاورزان آشکار می‌شود. آن هنگام که لشکر مصر در حال جنگ با عثمانی است، زینی با رفتن به روستاهای اطراف با ترساندن آن‌ها از جنگ، کشاورزان را موظف به دادن مالیات می‌کند: «گفت: مصر از سوی اولیای خدا حمایت می‌شود و گرفتن سرزمینی که سید ما حسین و صاحب کرامات نورانی، شیخ ابوسعود را دارد، کار مشکلی است. و بین هر کلمه و جمله‌ای از وصیت شیخ خود ابی سعود سخن می‌گفت. مردم شروع کردند به یا مولا گفتن، مولایمان ما را بخش. و عجیب اینکه این بار در سخنش نشانی از نرمی و مدارا نبود. پرخاش می‌کرد. و بی رحمی‌اش را نمایان کرد گفت یک ماه به ما مهلت می‌دهد. اگر تأخیر کنیم مولایمان شیخ ابو السعود را به سراغمان خواهد فرستاد و خانه خراب خواهیم شد.»^۸

با توجه به نمونه‌های ذکر شده از دو رمان، می‌بینیم که چگونه دین، دست‌آویزی برای تثبیت بیشتر قدرت حاکمان می‌شود.



۸-۵. استحاله انقلاب ها

استحاله به معنی تبدیل هویت یک چیز و تغییر و تحول در ماهیت آن است. این طیف وسیع، می تواند در قالب انحراف و تغییرات شخصیتی، فرهنگی یا اجتماعی صورت بگیرد. فرایندی که در نهایت منجر به این می شود که شخص یا جامعه، هویت سابق خود را به دست فراموشی بسپارد و من جدیدی را برگزیند. (حدادی، ۱۳۸۱: ۳۹)

در هر دو رمان، مسیر انقلاب و اصول اولیه آن ها دچار انحراف می شود؛ دو انقلاب که با شور و شوق آغاز شده و هدف از آن ها، برپایی عدالت اجتماعی بود از مسیر اصلی خود خارج شدند و با آرمان ها فاصله گرفتند. رهبران در هر دو رمان، اصول و ایده آل های انقلاب را که در ابتدا تأکید زیادی بر آن ها شده بود، زیر پا می گذراند و اقدام به حذف یک به یک اصول می کنند و قوانین مستبدانه خود را جایگزین می سازند. این تغییر در آرمان ها و حذف آن ها تا جایی پیش می رود که دیگر تفاوتی میان حکومت پیشین و حکومت کنونی مزرعه حیوانات و زینی برکات دیده نمی شود. این تغییر ماهیت انقلاب ها را، می توان استحاله انقلاب ها خواند. در رمان مزرعه حیوانات، انقلابی که با هدف برابری و برادری، دشمنی با انسان و تامین رفاه حیوانات مزرعه صورت گرفته بود، دست خوش تغییر می شود؛ برابری، تبدیل به تبعیض می شود و خوک ها به عنوان فرا دست و بقیه به عنوان فرو دست در جامعه معرفی می شوند؛ رهبران حیوانات به تدریج میان خود و هم نوعانشان تبعیض قائل شدند و دیگر کار کردن در مزرعه را در شأن خود نمی دانستند و بهترین و بیشترین مقدار آذوقه برای آن ها بود. بدین ترتیب اصل «همه حیوانات باهم برابرند» تبدیل به «برخی حیوان ها از دیگر حیوانات برابرتند» می شود. (اورول، ۱۳۷۷: ۹۵)

خوک ها تصمیم گرفتند در خانه پر زرق و برق آقای جونز زندگی کنند و روی تخت های موجود در خانه بخوابند و همچنین از وسایل متعلق به زندگی انسانی که در خانه جونز وجود داشت استفاده کردند. بنابراین اصل دوم که «هیچ حیوانی روی تخت نمی خوابد» را زیر پا

گذاشتند. (همان: ۵۶) به شراب خواری روی آوردند و اصل «هیچ حیوانی شراب نمی نوشد» نیز نقض می شود. (همان: ۱۵)

یکی دیگر از هفت اصول حیوانی، این بود که هیچ حیوانی روی دو پا راه نمی رود، ولی این اصل نیز نقض شد و خوک‌ها اقدام به راه رفتن روی دویا کردند. (همان: ۱۰۳) آخرین اصلی که در انقلاب حیوانات، تغییر می کند این است که «هر چه دو پاست، دشمن است» (همان: ۱۷) و هر گونه معامله با آن، ممنوع است. اما در ادامه می بینیم که صاحبان مزارع همسایه، به مزرعه دعوت می شوند و بخاطر رضایت آن‌ها، نام مزرعه دوباره با نام قدیمی مَتر^۱ خوانده می شود: «دور میز نشسته بودند. ناپلئون در صدر میز نشسته بود. پیدا بود که سرگرم بازی ورق بوده اند و به طور موقت از ادامه آن دست کشیده اند تا گیلای بنوشند. ... ناپلئون گفت: همیشه آرزو داشته است که با همسایگان در صلح و صفا باشد. و اعلام کرد به منظور حسن تفاهم، تغییراتی در مزرعه ایجاد کرده است. از جمله منع رسم احمقانه رفیق خطاب کردن یکدیگر توسط حیوانات و تغییر نام مزرعه حیوانات به مزرعه منر.» (همان: ۱۰۷)

در انتهای رمان، حیوانات که از پنجره شاهد این مهمانی هستند، متوجه تغییرات خوک‌ها می شوند و دیگر نمی‌توانند خوک‌ها و انسان‌ها را از هم تشخیص بدهند، چرا که، خوک‌ها مراحل استحاله به شکل انسان را یک به یک گذرانده بودند و دیگر هیچ تفاوتی با آن‌ها نداشتند.

در رمان زینی برکات نیز برکات با سخن از برابری، عدالت، برقراری امنیت و حمایت از کشاورزان رنج دیده، وارد عرصه محتسبی قاهره شد و انقلاب جدیدی را پایه گذاری کرد. اما به تدریج، شخصیت و روند حکومت وی، دستخوش دگرگونی بزرگی شد. برکات با ظلم، سرکوب مخالفان و در نهایت، استحاله اصول حکومت خود، سعی در تثبیت حکومت داشت. در باب کنترل مخالفان، زینی در خطبه هایش بارها بیان کرده بود که حق هیچ کسی را پایمال

^۱ Manor



نخواهد کرد و اگر رعیتی از ارباب یا امیری ظلم ببیند، بدون اینکه مقام و جایگاه آن ارباب را در نظر بگیرد، مجازاتش خواهد کرد و حق رعیت را خواهد گرفت. اما در ادامه رمان، می بینیم که در مقابل اعتراض علیه خودش، انعطافی نشان نمی دهد و از زکریا می خواهد تا آنها را شناسایی کند. (غیطانی، ۱۹۷۴: ۶۶)

در انقلاب زینی، مقرر بود تا به انسان ها کرامت بدهد؛ اما می بینیم که در نامه اش به زکریا، مردم را گله گوسفند و وحشیانی بی عقل خطاب می کند: «در مورد عوام الناس.. آن ها رمه هایی هستند که هر کجا بخواهی می توانی آن ها را به دنبال خود بکشانی، وحشیانی بی عقل هستند که اگر وسوسه شان کنی مطیع تو می شوند. و از همین رو اشکالی ندارد که برخی از آن ها را گاه به گاه به طریقی که کسی متوجه نشود، پنهان و محو کنیم. این مسئله باعث وحشت بقیه می شود.»^۹

زینی در آغاز انقلاب، همیشه بیان می کرد اگر خزانه دولت خالی باشد، هیچ گاه حاضر به گرفتن مالیات های بیشتر از کشاورزان نخواهد شد؛ اما در زندان هایش کشاورزانی بودند که قادر به دادن مالیات نبودند. وقتی سلطان روانه جنگ شده بود، مردم، زینی را کمتر در قاهره می دیدند؛ چرا که در روستاها به بهانه خالی بودن خزانه و اوضاع نابسامان جنگ، مشغول گرفتن مالیات از کشاورزان بود. بنابراین این اصل برکات که شامل حمایت از کشاورزان بود نیز دچار استحاله می شود.

استحاله تمام اصول دو انقلاب در دو رمان، آنجا به طور یکجا نمایش داده می شود که ناپلئون با انسان ها وارد مذاکره و معامله می شود و نام مزرعه خود را به مَنر باز می گرداند (اورول، ۱۳۷۷: ۱۰۵) و برکات نیز وقتی موقعیت خود را در دولت ممالیک در خطر دید و دیگر امیدی به تداوم سلسله ممالیک نیافت، اقدام به هم دستی با دولت عثمانی نمود و با عثمانی ها وارد معامله شد و محتسبی قاهره را زیر پرچم دولت عثمانی ادامه داد و در ادامه، دستور ضرب سکه های عثمانی را به جای سکه های مملوکی، صادر کرد: «جارچی با صدای بلند گفت: سلطان

خایر بک امر به تعیین زینی برکات بن موسی به عنوان محتسب قاهره داده است. سپس فرمانی را از جانب زینی برکات خواند: که سکه های عثمانی جدید جایگزین سکه های مملوکی قدیم می شود.^{۱۰}»

نتیجه گیری

وجوه اشتراک در دو رمان مزرعه حیوانات و زینی برکات، به اندازه ای زیاد است که می توان گفت، جمال غیطانی همچون بسیاری از نویسندگان معاصر جهان با رمان مزرعه حیوانات آشنا بوده و از آن در نگارش رمان خود، تأثیر پذیرفته است. دلایلی برای اثبات این ادعا وجود دارد؛ از جمله اینکه تسلسل حوادث در رمان زینی برکات کاملاً منطبق بر مزرعه حیوانات است و گام به گام و نعل به نعل قابل تطبیق است، به سخنی دیگر، رمان را با وقوع انقلاب آغاز می کند و با وضع قوانین جدید و ایجاد نوعی خودکامگی و در پی آن، سرکوب مخالفان و استفاده ابزاری از دین به پیش می برد و با استحاله انقلاب، خاتمه می دهد و این همان سیر روائی در رمان مزرعه حیوانات است. علاوه بر تسلسل جزء به جزء حوادث در دو رمان، وجود هشت مورد اشتراک مضمونی در دو رمان از دیگر دلایلی است که تأثیرپذیری غیطانی از اورول را تقویت می کند؛ این اشتراکات عبارتند از: ۱. **وقوع انقلاب**: هر دو رمان، با وقوع یک انقلاب سیاسی آغاز می شوند که فقر و گرسنگی، عامل اصلی آن هاست؛ در مزرعه حیوانات، غفلت آقای جونز از حیوانات باعث گرسنگی حیوانات و قیام می شود و در رمان زینی برکات نیز، ناکارآمدی و ستم حاکم وقت علی بن ابی جود، باعث عزل وی و روی کار آمدن زینی برکات است. ۲. **وضع قوانین جدید**: در هر دو رمان، مشاهده می شود که با تحقق انقلاب، قوانین جدیدی با هدف نیل به رفاه اقتصادی و عدالت اجتماعی وضع می شوند. در مزرعه حیوانات، هفت اصل اساسی وضع می شود که برابری و عدالت مهمترین آن هاست و در رمان زینی برکات نیز با حاکمیت جدید، حمایت از قشر فقیر به ویژه کشاورزان و مبارزه با فقر، رکن اساسی قوانین جدید است.



۳. **استبداد:** خودکامگی ناپلئون و زینی برکات به عنوان رهبران هر دو انقلاب، از دیگر تشابهات دو رمان است. ۴. **پوپولیسم:** نمایش های عوام فریبانه و سخنرانی های دروغین در جهت فریب مردم از سوی رهبران در دو رمان، از دیگر اشتراکات است. ۵. **سرکوب مخالفان:** مدتی بعد از وقوع انقلاب در هر دو رمان، صدای مخالفان، در نطفه، خفه می شود. ۶. **تشکیل نیروی سرکوبگر:** علاوه بر سرکوب مخالفان، شیوه سرکوب و شیوه انتخاب و گزینش نیروهای سرکوبگر در دو رمان نیز بسیار به هم شباهت دارند که این شباهت های ظریف و بسیار ریز، ادعای تأثیرپذیری غیطانی از اورول را تقویت می کند؛ در رمان قلعه حیوانات، ناپلئون جهت سرکوب مخالفان، نه توله سگ را از بدو تولد، به دور از انظار عمومی تربیت داده بود، در زینی برکات نیز، سپاهی تشکیل می شود که بیشتر آنان کودکان هستند و آن ها را برای سرکوب، مهیا می کنند. دلیل انتخاب توله سگان و کودکان در هر دو رمان آن بوده است تا کسی آنان را نشناسد و آنگونه که حاکمیت می خواهد، آنان را سنگدل و بی رحم پرورش دهد. ۷. **استفاده ابزاری از دین:** در هر دو انقلاب، دین ابزاری است در دست حاکمیت تا مردم را مطیع خود گردانده و سکوت در برابر ضعف و ناکارآمدی رهبران را، قناعت بنامند و با مؤده زندگی پس از مرگ و در دنیایی لبریز از رفاه و آسایش، آن ها را به تحمل سختی ها دعوت می کردند. ۸. **استحاله انقلاب:** در هر دو رمان، انقلاب ها تغییر ماهوی پیدا می کنند و از چیزی که به خاطر آن انقلاب کردند به چیزی تبدیل می شوند که با اصول اولیه انقلاب خود، در تضاد است. خوک ها که علیه انسان قیام کرده بودند در نهایت و بر خلاف اصول هفتگانه خود، روی دو پا راه می روند، با انسان معامله و مذاکره می کنند، الکل می نوشند و روی تختخواب می خوابند. زینی برکات نیز که موقعیت خود را با حمله عثمانی ها در خطر می بیند، با آنان مذاکره می کند و خود بار دیگر در مسند قدرت می ماند و اینگونه دو رمان به پایان می رسند.

پی نوشت:

۱. «عزلُ علی بن أبی الجود فيه رحمةٌ بالعباد، ضج الناس وهاجوا، وأخيراً أمسکوا علی بن أبی الجود، رسموا علیه.» (غیطانی، ۱۹۷۴: ۲۳)
۲. «قال الزینی: لو وقع ظلم علی إنسان، فقیر أو غنی، ناء أو دان، علیه بالتوجه إلى نائبه إن لم يقتص من ظالمه بعد شرح قضیته وظهور العدل فیها. ثم قال بیته فی القاهرة، فمفتوح أطراف اللیل وآناء النهار لكل ذی حاجة.» (همان: ۶۲)
۳. «فی المدة المنقضية علی ولایتی للحسبة، لاحظتُ طلوع الحکایات بین الحین والحين تنتقل بین الناس، الغرض منها التشهير بأحد كبار رجال السلطنة، ومنی شخصياً، و هذا أمر تتفق معی علی ضرورة مقاومته وإزالة أسبابه.» (همان: ۱۵۴)
۴. «عامه الناس: وهم دائماً مشیرو الفتن، ربما حركوا بعض المتعممين والفقهاء فی ظروف عدة. بالنسبة للعامه: فهؤلاء قطعیتجه کیفما توجهه، وحش بلا عقل تسوسه فیطیعک. لا بأس من اختفاء بعضهم من حین إلى آخر، بطريقة لا يعرفها أحد، وهذا یرهب الباقین» (همان: ۱۵۲)
۵. «ضحک الزینی وقال: واخبار الصلاه؟ زکریا: یدی قبله الشفاه. الزینی: إسمع یا زکریا لا بد أن تحتل مكانه! فی قلوبهم أكبر، غداً إركب حصانک، دع رجلا من رجالک یرتدی ملابس فلاح، وآخر من رجالک فی ملابس مملوک، لیضرب الثانی الأول ضرباً فظیعاً، وطبعاً یتصادف عبور موكبک هنا ترجل أنت أنصف الفلاح واقبض علی المملوک، أكثر من أشباه هذا یحبیبک الله إلى قلوب الخلق.» (همان: ۱۸۴)
۶. «زکریا: نحن أدری به من نفسه، بعد زواج حبیبته کان حزیناً جداً، قلنا أنه سیلقى نفسه فی النیل، أو یشرب فصاً ساماً. أشاره الزینی بیده: لنرجع إلى الولد سعید. کثر من إطلاق رجالک فی أثره بحيث لا یكون الهدف رصد حرکتہ، إنما إشعاره أن هناك من یرصدها» (همان: ۱۹۳)



۷. «لقد زرع روح البص في عقولهم وأطفالهم منذ تعلمهم نطق الكلمات - فلا يسمع الطفل كلمة من أبيه أو أمه إلا ونقلها. وأصدق الخلق هم الأطفال وشهادتهم لا تكذب أبداً. ولو نجح كل واحد منا لتوصلنا إلى تحويل البشر أجمعين بعد سنين إلى بصاصين.» (همان: ۲۱۹)

۸. «قال: مصر محمية بأولياء الله. صعب أخذ بلاد تضم سيدنا الحسين ومولاي صاحب الكرامات النورانية أبو السعود. وبين كلمة والأخرى يذكر وصية مولاه الشيخ أبي السعود له، فصارت الناس يا مولاي، آه سامحنى يا مولاي. العجب، ضياع اللين في حديثه، نثر في وجوهنا. أظهر القسوة قال إنه يمهلنا شهراً، ولو تأخرنا سيدعو علينا مولاه، فتخرب بيوتنا.» (غيطاني، ۱۹۷۴: ۲۳۲)

۹. «عامه الناس... فهؤلاء قطع يتجه كيفما توجهه، وحش بلا عقل تسوسه فيطيعك. لا بأس من اختفاء بعضهم من حين إلى آخر، بطريقة لا يعرفها أحد، وهذا يرهب الباقيين» (همان: ۱۵۲)

۱۰. «صاح المنادى؛ يأمر خاير بك بتعيين الزينى بركات بن موسى محتسباً للقاهره. ثم ويتلو أمراً من الزينى نفسه؛ ينادى موضحاً العملة العثمانية الجديدة حلت محل العملة المملوكية القديمة.» (غيطاني، ۱۹۷۴: ۲۶۷)
فهرست منابع و مآخذ:

افلاطون، (۱۴۰۱ش) جمهور، ترجمه فؤاد روحانى، تهران: انتشارات علمى و فرهنگى.
انوشيروانى، عليرضا (۱۳۸۹ش) ضرورت ادبيات تطبیقی در ایران، نشریه ادبيات تطبیقی، سال اول، شماره اول، صص ۶-۳۸.
اورول، جرج (۱۳۷۷ش) قلعه حیوانات، ترجمه امير اميرشاهى، چاپ دوازدهم، تهران: جامی.

آقابخشی، علی و افشاری راد، مینو (۱۳۷۴ش) فرهنگ علوم سیاسی، چ ۱، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.

بارات، امیانا (۲۰۱۸م) الأبعاد الإنسانية فی رواية الزینی برکات لجمال الغیطانی، رسالة مقدمة کلیه الأدب والعلوم الإنسانية جامعة الرانیری الإسلامية الحکومیة، دارالسلام، صص ۲۰-۳۰.
بن موسی، هنیة (۲۰۲۰م) توظيف التراث العربی فی روايات جمال الغیطانی. قسم اللغة والأدب العربی، جامعة الشهيد حمّة لخضر: الوادی (الجزائر) مجلة علوم اللغة العربیة وآدابها، المجلد: ۱۲، العدد ۳، صص ۱۰۳-۱۳۱.

تاگارت، پل (۱۳۸۱ش) پوپولیسیم، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: انتشارات آشیان.
حجازی، نصرت و مشکینی، مرضیه (۱۴۰۰ش) بررسی تطبیقی شازده کوچولو و قلعه حیوانات بر اساس الگوی جامعه شناختی کلود دوشه، پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره ۲۶، شماره ۱، صص ۱۱۰-۱۴۲.

حسینی، شکوه (۱۳۹۴ش) تاریخ مصر در زینی برکات. سخنرانی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. شهر کتاب.

رحیق اغصان، علی (۱۳۸۴ش) دانشنامه در علم سیاست، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگ صبا.
سجادی فر، وحید (۱۴۰۰ش) بررسی و تحلیل مشخصه های پوپولیسیم در داستان قلعه ی حیوانات اثر جرج اورول، پژوهش های بین رشته ای ادبی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره پنجم، صص ۱۶۲-۱۹۰.

حدادی، محمد حسین (۱۳۸۸) استحاله ی شخصیت در نمایشنامه ی آدم آدم است، نقد زبان و ادبیات خارجی، دوره اول، شماره ۲، صص ۳۵-۴۹.

غیطانی، جمال (۱۹۹۴م) رواية الزینی برکات. ط ۲، القاهرة: دارالشروق.

_____ (۱۳۹۴ش) زینی برکات، ترجمه رضا عامری، تهران: دنیای اقتصاد .

کوشا، سعید (۱۳۷۹) باز هم قلعه حیوانات، چاپ اول، تهران: نقش و نگار.



مطالعه تطبیقی مضامین مشترک رمان مزرعه حیوانات

لاکلائو، ارنستو (۱۳۸۸) در ستایش پوپولیسیم، ترجمه احمد ایزدی و و عباس ارض پیم، چ
۱، تهران: رخداد.

محرز، سامیه (۱۹۹۴) کتاب مصریون ما بین التاريخ والخیال القصصی. القاهرة: دار نشر
الجامعة الأمريكية بالقاهرة.

منتسکیو، شارل لوئی دوسکوندن (۱۳۶۲ش) روح القوانين، باب چهارم، ترجمه علی اکبر
مهدی، چاپ ششم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

نظری منظم، هادی (۱۳۸۹ش) ادبیات تطبیقی: تعریف و زمینه های پژوهش، نشریه ادبیات
تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال اول، شماره ۲، صص ۲۲۱-۲۳۷.

هاشمی، فرانک (۱۳۸۶) کلیله و دمنه به عنوان نمونه ای از ادبیات جهانی: بازتاب آن در
ادبیات ایران و آلمان، پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره ۱۲، شماره ۴۰، صص ۱۳۳-۱۵۰.